

ایران و آمریکا

پژوهشگر کالج جنگ ارتش آمریکا: بخش مهم جنگ ایران شاید چیزی باشد که هنوز رخ نداده است

الکس رئوف اوغلو

کمتر از یک دقیقه پیش



تصویری از سنتکام در ارتباط با عملیات‌هایی که برای اعمال محاصره دریایی علیه ایران انجام می‌دهد

ازسرگیری تبادل حملات نظامی و تهدیدها میان آمریکا و ایران، بار دیگر نگرانی‌ها درباره گسترش جنگ در خاورمیانه را افزایش داده است؛ اما جیکوب استویل، استاد پژوهشی مطالعات امنیت خاورمیانه در کالج جنگ ارتش آمریکا، معتقد است مهم‌ترین بخش ماجرا شاید آن چیزی باشد که هنوز رخ نداده است.

استویل در گفت‌وگو با رادیو اروپای آزاد/رادیو آزادی توضیح می‌دهد که چرا به باور او، تشدید اخیر تنش‌ها همچنان حساب‌شده و کنترل‌شده است، ایران چگونه با استفاده از موشک‌ها، پهپادها، فشار دریایی و جنگ اطلاعاتی تلاش می‌کند دست برتر را در مذاکرات به دست آورد و چه نشانه‌هایی می‌تواند مشخص کند که این بحران به سوی یک جنگ گسترده‌تر منطقه‌ای پیش می‌رود یا دوباره به مسیر مذاکره بازمی‌گردد.

دیدگاه‌های مطرح‌شده در این گفت‌وگو صرفاً نظرات شخصی جیکوب استویل است و بیانگر سیاست یا موضع رسمی ارتش آمریکا، وزارت دفاع ایالات متحده یا دولت آمریکا نیست.

- شما در پژوهش اخیرتان از تعبیر معروف «سگی که پارس نکرد» استفاده کرده‌اید؛ به این معنا که گاهی مهم‌ترین سرنخ در یک درگیری، اتفاقی است که رخ نمی‌دهد. با توجه به تحولات امروز، در تحولات کنونی، این اتفاق رخ نداده چیست؟

آخرین دور حملات آمریکا در پاسخ به حمله غافلگیرکننده ایران به تأسیسات آمریکا، با وجود برقراری دوباره آتش‌بس، انجام شد. اهمیت این موضوع در آن است که ما شاهد یک حمله غافلگیرکننده از سوی ایران بودیم که آمریکا نیز پاسخی محدود به آن داد.

به نظر نمی‌رسد آمریکا دامنه عملیات خود را به سمت تلاش برای سرنگونی حکومت ایران گسترش داده باشد. از سوی دیگر، ایران نیز برخلاف گذشته، در آغاز کار، همه کشورهای متحد و شریک آمریکا در منطقه را هدف قرار نداد. ایران حمله‌ای محدود علیه آمریکا انجام داد و آمریکا نیز به شکلی محدود پاسخ داد.

هر دو طرف می‌توانستند از نیروی بسیار بیشتری استفاده کنند و فهرست اهداف بسیار گسترده‌تری داشته باشند. نکته دیگری که همان‌طور که در مقاله‌ام نوشته‌ام، در دور کنونی تشدید تنش‌ها دیده نمی‌شود، غیاب هرگونه حمله مستقیم ایران به اسرائیل است.

- در ظاهر، این تحولات از تشدید سریع تنش‌ها حکایت دارد. اما از نظر نظامی، آیا واشینگتن و تهران همچنان آگاهانه می‌کوشند از عبور از آستانه یک جنگ تمام‌عیار منطقه‌ای پرهیز کنند؟ اگر چنین است، چه نشانه‌هایی حاکی از آن است که دو طرف خویشتنداری می‌کنند، نه این‌که خود را برای درگیری‌ای بسیار گسترده‌تر آماده کنند؟

هم ایران و هم آمریکا توانایی آن را دارند که با شدت بیشتری حمله کنند و اهداف بسیار متنوع‌تری را نسبت به آن‌چه اکنون هدف قرار می‌دهند، مورد حمله قرار دهند.



جیکوب استویل

ایران پیش‌تر نشان داده است که می‌تواند به‌طور هم‌زمان اهدافی را در چندین کشور منطقه هدف بگیرد و حتی تا اسرائیل نیز حمله کند. همچنین می‌تواند با همکاری نیروهای نیابتی و متحدانش، مانند حوثی‌ها، حزب‌الله و حتی حماس، دامنه تنش‌ها را گسترش دهد.

ایران این توانایی را دارد که این درگیری را به شکل قابل‌توجهی توسعه دهد، اما اکنون چنین کاری نمی‌کند. این نشانه آن است که دست‌کم در مقطع کنونی، علاقه‌ای به گسترش جنگ ندارد.

به همین ترتیب، آمریکا نیز از توان نظامی بسیار گسترده‌ای برخوردار است که هنوز آن را علیه ایران به کار نگرفته است و حتی در آخرین حملات تلافی‌جویانه خود نیز از تمام ظرفیتش استفاده نکرده است. این نیز نشانه دیگری است که نشان می‌دهد آمریکا فعلاً قصد گسترش درگیری را ندارد.

راهبرد ایران؛ فشار بدون جنگ متعارف

- ایران همچنان به‌جای ورود به یک جنگ متعارف مستقیم، از موشک‌ها، پهپادها و شرکای منطقه‌ای خود استفاده می‌کند. آیا این نشان‌دهنده ضعف نظامی ایران است یا راهبردی است که تهران

بیشترین قدرت چانه‌زنی را در آن می‌بیند؟

ایران سال‌هاست توسعه توان موشکی، پهپادی، نیروهای نامنظم و نیروهای نیابتی خود را بر تقویت ارتش متعارف خود ترجیح داده است.

اگرچه ارتش متعارف ایران از نظر شمار نیروها بزرگ است، اما نیروهای زمینی مانوری و نیروی هوایی آن نسبتاً ضعیف هستند و در حملات آمریکا و اسرائیل در سال جاری و سال گذشته نیز بیش از پیش تضعیف شدند. نیروی دریایی متعارف ایران نیز تقریباً به‌طور کامل از بین رفته است.

در نتیجه، ایران توانایی آن را ندارد که مانند روسیه در اوکراین، از طریق عملیات گسترده زمینی، جنگ را توسعه دهد یا اساساً چنین اقدامی برایش سودمند باشد. بنابراین، ایران بر نقاط قوت خود تکیه کرده است.

نقاط قوت ایران در حوزه اطلاعات و جنگ روانی است؛ یعنی ایجاد روایت‌های نادرست، گمراه‌کننده و تبلیغات. همچنین توان اصلی ایران در موشک‌ها، پهپادها و توانایی حمله به غیرنظامیان و اهداف اقتصادی در سراسر منطقه است.

- یکی از تازه‌ترین پژوهش‌های شما به راهبرد ایران در تنگه هرمز می‌پردازد. عملیات نظامی امروز چگونه در چارچوب تلاش گسترده‌تر تهران برای تبدیل فشار دریایی به اهرم سیاسی در میز مذاکره قرار می‌گیرد؟

راهبرد ایران این است که توانایی خود برای بستن تنگه هرمز و تحمیل هزینه‌های اقتصادی به کشورهای مختلف جهان را به اهرم فشار در مذاکرات تبدیل کند. حملاتی که ایران اخیراً انجام داده، تلاشی برای تثبیت وضعیت موجود است.

در حال حاضر، ایران به همسایگان خود حمله می‌کند. ایران به دیگر کشورهای منطقه حمله می‌کند. تنگه هرمز را بسته است و کشتی‌ها برای عبور از این آب‌راه، دست‌کم به تحمل ایران و اگر نه به اجازه آن، نیاز دارند.

ایران می‌خواهد این وضعیت به یک واقعیت دائمی تبدیل شود. به همین دلیل، همچنان به حمله به همسایگان خود، نیروهای آمریکایی و کشتی‌رانی در تنگه هرمز ادامه می‌دهد تا این رفتار به بخشی از واقعیت عادی و روزمره خاورمیانه تبدیل شود.

خشونت به‌عنوان ابزاری برای مذاکره

- هر دو طرف از موفقیت نظامی سخن می‌گویند، اما در عین حال از تشدید قاطع درگیری پرهیز می‌کنند. آیا جنگ اطلاعاتی اکنون تقریباً به اندازه عملیات نظامی در میدان نبرد اهمیت پیدا کرده است؟

برای ایران، جنگ اطلاعاتی و استفاده از اطلاعات نادرست و گمراه‌کننده بخش محوری راهبرد آن است. هدف ایران شکست دادن نظامی نیروهای آمریکا نیست، چون می‌داند عملاً چنین کاری از عهده‌اش برنمی‌آید.

هدف ایران این است که هزینه‌های سیاسی و اقتصادی ادامه این درگیری را به سطحی برساند که آمریکا دیگر حاضر به پرداخت آن نباشد.

این یعنی هدف قرار دادن اراده آمریکا و شرکای آن، و هم‌زمان تضعیف حمایت افکار عمومی آمریکا از ادامه این درگیری.

مؤثرترین ابزار ایران در این رویارویی، در کنار بستن تنگه هرمز و حمله به همسایگان با استفاده از موشک‌ها و پهپادها، جنگ اطلاعاتی است.

- فراتر از تیت‌خبرها، چه شاخص‌هایی می‌تواند نشان دهد که منطقه به سوی ازسرگیری مذاکرات می‌رود یا در مسیر یک جنگ گسترده‌تر منطقه‌ای قرار گرفته است؟

باید درک کنیم که خشونت و مذاکره دو مفهوم کاملاً متضاد نیستند. در دل یک درگیری، خشونت خود نوعی زبان است.

ایران و آمریکا از خشونت به عنوان بخشی از یک مذاکره برای تعیین حدود قابل تحمل استفاده می‌کنند. ایران می‌کوشد این وضعیت را عادی جلوه دهد تا بتواند بدون پرداخت هزینه به همسایگانش حمله کند. هر بار که آمریکا پاسخ می‌دهد، در واقع پیامی درباره محل قرار گرفتن خط قرمز خود ارسال می‌کند. ایران نیز در مقابل تلاش می‌کند آن خط قرمز را عقب‌تر ببرد.

بنابراین، خودِ خشونت می‌تواند نوعی زبان باشد. در این درگیری، مذاکرات از طریق خشونت، جنگ اطلاعاتی و کانال‌های گوناگون دیگر در جریان است.

** «سگی که پارس نکرد» اصطلاحی در زبان انگلیسی است که از یکی از داستان‌های شرلوک هولمز گرفته شده است. این تعبیر به اتفاق یا واکنشی اشاره دارد که انتظار می‌رفته رخ دهد اما رخ نداده و همین رخ ندادن سرنخی مهم به دست می‌دهد.*

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

ایران و آمریکا

بایگانی